



ORIGINAL ARTICLE

Identifying and Measuring the Factors that Create a Sense of place in Religious-Cultural Buildings, Case study: Shrine of Ali Ebne Mahzian in Ahvaz

Hamed Hayati

1. Assistant Professor,
Department of Architecture,
University of Qom, Qom,
Iran.

Correspondence

Hamed Hayati
Email:
hamedhayaty@yahoo.com

How to cite

Hayati, H. (2024). Identifying and Measuring the Factors that Create a Sense of place in Religious-Cultural Buildings, Case study: Shrine of Ali Ebne Mahzian in Ahvaz. *Urban Ecological Research*, 15(3), 53-70.

ABSTRACT

The purpose of this study is to analyze and identify the factors affecting the sense of place in shrine buildings and to improve these factors for a deeper understanding of the sense of place in these buildings. The research method was descriptive-analytical and the sample size was determined based on Morgan table of 78 people. What distinguishes this research from its similar researches is the analysis and study of the components of sense of place in Ali Ibn Mahzian's tomb as the most significant shrine building in Ahvaz, which has not been researched in this field so far. The results of Pearson test, while confirming the correlation of all criteria and sub-criteria with the sense of place, show; The variable of peace and spirituality has the highest and the variable of security has the lowest correlation with the amount of sense of place. According to the results of regression test, perceptual and physical dimensions have the most effect and functional and social dimensions have less effect on inducing a sense of place in the shrine. The results show that in addition to the four components of physical, semantic, social and service, other components are involved in creating a sense of place in tombs and religious buildings. Therefore, it is possible to deepen the sense of place among pilgrims in pilgrimage buildings and religious tombs by providing more grounds for both physical and semantic components.

KEYWORDS

Place, Sense of Place, Architecture, Shrine, Ali Ibn Mahzian.



DOI: <https://doi.org/10.30473/grup.2024.65200.2731>

«مقاله پژوهشی»

سنجش و مقایسه تأثیرپذیری حس تعلق زائر از حس مکان با تأکید بر مؤلفه‌های آن در بناهای زیارتگاهی، مطالعه موردی: زیارتگاه علی ابن مهزیار در اهواز

حامد حیاتی

۱. استادیار، گروه معماری، دانشگاه قم، قم، ایران.

نویسنده مسئول: حامد حیاتی
رایانامه:

hamedhayaty@yahoo.com

استناد به این مقاله:

حیاتی، حامد (۱۴۰۳). سنجش و مقایسه تأثیرپذیری حس تعلق زائر از حس مکان با تأکید بر مؤلفه‌های آن در بناهای زیارتگاهی، مطالعه موردی: زیارتگاه علی ابن مهزیار در اهواز. *فصلنامه علمی پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری*، ۱۵(۳)، ۵۳-۷۰.

چکیده

هدف از مطالعه حاضر تحلیل و شناسایی عوامل مؤثر بر حس مکان در بناهای زیارتگاهی و ارتقا این عوامل برای درک عمیق‌تر حس مکان در این بناها است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و حجم نمونه براساس جدول مورگان ۷۸ نفر تعیین گردید. آنچه این پژوهش را با پژوهش‌های مشابه متمایز می‌سازد، تحلیل و بررسی مؤلفه‌های حس مکان در زیارتگاه علی ابن مهزیار به‌عنوان شاخص‌ترین بنای زیارتگاهی درون شهری اهواز است که تاکنون در این زمینه پژوهشی تدوین نشده است. نتایج آزمون پیرسون ضمن تأیید همبستگی تمام معیارها و زیر معیارها با حس مکان، نشان داد. متغیر آرامش و معنویت بالاترین و متغیر امنیت پایین‌ترین ضریب همبستگی را با میزان حس مکان دارد. طبق نتایج آزمون رگرسیون خطی، ابعاد ادراکی و کالبدی بیش‌ترین اثر و ابعاد عملکردی و اجتماعی تأثیر کم‌تری در القاء حس مکان را دارند. نتایج پژوهش نشان داد که علاوه بر چهار مؤلفه کالبدی، معناشناختی، اجتماعی و خدمات، مؤلفه‌های دیگری بر ایجاد حس مکان در بناهای زیارتگاهی دخالت دارند. بنابراین می‌توان ضمن توجه به ابعاد پنهان مؤثر، با فراهم نمودن زمینه برای دو مؤلفه کالبدی و معناشناختی به تعمیق حس مکان میان زائران در بناهای زیارتی دست یافت. مؤلفه کالبدی از طریق نشانه‌ها و نمادها، بافت، مصالح، رنگ، نورپردازی، و مؤلفه معناشناختی از طریق تزیینات مزین به آیات قرآنی، استفاده از نقوش اسلیمی ایرانی و کاشی‌کاری، می‌تواند حس آرامش و معنویت در زائرین و در نهایت القای حس مکان و هویت بخشی به اماکن زیارتگاهی را موجب شوند.

واژه‌های کلیدی

مکان، حس مکان، معماری، زیارتگاه، علی ابن مهزیار (ع).



مقدمه

بی‌گمان، آرامگاه‌ها بعد از مساجد بیش‌تر از هر نوع معماری در ایران دوره اسلامی مورد توجه عموم بوده است. این اماکن در طول قرن‌های متمادی در سطح جامعه و فرهنگ ایرانی ریشه دوانده، کم‌تر شهری در این کشور است که سهمی از چنین بناهایی نداشته باشد (نثاری و همکاران، ۱۳۹۵).

مردم شیعه مذهب ایران، به‌دلیل ارادت به سادات و امامزادگان، برای ایشان بارگاه و مرقد شایسته بنا کرده‌اند و به بهترین شیوه ممکن این آثار را تزئین قدسی نموده‌اند. احساس تعلق خاطر به این اماکن، همواره مهم‌ترین عامل برای دوام پایداری آن، چه از لحاظ کالبدی و فعالیتی و چه از نظر معنایی و خاطره‌ای بوده است. درواقع تعلق خاطر و دلبستگی به مکان نوعی درهم تنیدگی احساسات و عواطف انسانی نسبت به محیط است و به‌عنوان مؤلفه تأثیرگذار علاوه بر تأمین امنیت، از روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت کرده و راهی در جهت ارتقای هویت افراد است (عالم و همکاران، ۱۳۹۲).

حس مکان مخلوطی از احساسات خودآگاه و ناخودآگاه و ادراک است و به یک مکان معنا می‌دهد. بنابراین حس مکان ناشی از تجربه فرد در تعامل با محیط است (شاهروندی کلور و همکاران، ۱۳۹۹). کیفیت معماری مکان‌های آیینی و طرح کالبدی، یکی از عوامل محیطی مؤثر در حس دلبستگی به مکان و کاربران محیط است و به‌صورت عاملی ادراکی (عالم و همکاران، ۱۳۹۲) با ایجاد تصاویر ذهنی و تسهیل برخی فعالیت‌ها بر زائرین تأثیر می‌گذارد. درواقع طرح کالبدی امامزاده‌ها با القاء زیبایی و هویت و با تسهیل روابط اجتماعی، فعالیت‌ها و ایجاد رضایتمندی در زائرین بر شکل‌گیری نسبی حس مکان مؤثر است (فلاح، ۱۳۸۴).

یکی از بناهای شاخص مذهبی در شهر اهواز، زیارتگاه علی ابن مهزیار اهوازی در شهر اهواز است. بنای این بقعه در جنگ تحمیلی دچار آسیب جدی شد که همین مسئله منجر به بازسازی، اضافه شدن بخش‌هایی به بنای اصلی و تغییر کالبد آن شده است. در این فرایند، تغییر کالبد بنا بر خاطرات جمعی افراد تأثیر گذاشته، حس حضور در مکان را با تأثیر قرار داده و ممکن است بر بار معنایی و احساس معنوی مکان اثرگذار باشد. بنابراین شناخت مؤلفه‌های مؤثر بر حس مکان در بناهای مذهبی (ازجمله زیارتگاه علی ابن مهزیار) ضرورت می‌یابد.

هدف این پژوهش، شناسایی مهم‌ترین مؤلفه‌های حس مکان در زیارتگاه علی بن مهزیار اهوازی و یافتن نقاط ضعف

و قوت عوامل چهارگانه کالبدی (فرمی)، معناشناختی (ادراکی)، اجتماعی و عملکردی از نگاه زائران در زیارتگاه علی بن مهزیار است تا در نهایت به اصول و راهکارهای موجود براساس مبانی نظری مطمئن، جهت تدوین فرایند و شیوه مناسب برخورد با مؤلفه‌های حس مکان معماری آرامگاهی، دست یافت. برای دستیابی به این هدف، تلاش شده با بهره‌گیری از نظریه نگارشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه، مؤلفه‌های حس مکان از منظر زائران، مورد سنجش قرار گیرد و شدت و جهت رابطه میان حس مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن ارزیابی شوند. درواقع پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال اصلی است که مهم‌ترین مؤلفه‌های حس مکان در بنای زیارتگاهی علی ابن مهزیار اهوازی کدام است؟

مبانی نظری

چارچوب نظری

مکان

واژه مکان در فرهنگ لغت آکسفورد، به معنای نقطه‌ای در زمین است که ارزش‌های انسانی بر بستر آن شکل گرفته و رشد می‌یابد. همچنین در فرهنگ لغت انگلیسی ویستر، علاوه بر مفهوم جغرافیایی آن، به نحوه و قرارگیری افراد در جامعه در مکان‌های خاص اشاره دارد (ملکی و همکاران، ۱۳۹۳). مکان جایی است که ما ادراکی کامل از هستی و بودن خود داشته باشیم. انسان از مکان‌های متفاوت تصویرهای متفاوتی در ذهن دارد. احساسات او می‌تواند بر ادراکاتش از محیط و شکل‌گیری تصویر ذهنی از مکان تأثیرگذار باشد (حیاتی، ۱۴۰۰).

در رویکرد روان‌شناختی محیطی، مکان بخشی از محیط جغرافیایی و تابع ویژگی‌های ذهنی و معنایی فرد است که به‌واسطه تجربه ادراکی او در فرایندی شامل مرحله ادراک، شناخت و احساس معنا می‌یابد و به فرایند شناختی، عاطفی و رفتاری در فرد می‌انجامد. لذا محیط انسان ساخت در هر مرحله با توجه به میزان و شدت ادراک، شناخت و احساس دارای معانی مختلف می‌شود (لک، ۱۳۹۴).

مکان فضایی است که برای فرد یا گروهی از مردم دارای معنا باشد. این تعریف به‌صورت (مکان = فضا + معنی) بیان می‌شود. مکان، قسمتی از یک فضا است که از طریق عواملی که در آن قرار دارند، صاحب هویت خاصی شده است (صادقی و احمدی، ۱۳۹۶). کانتز مکان را شامل فعالیت، قرارگاه کالبدی و اجزا می‌داند. بر این اساس مکان بخشی از

اجتماعی است که موجب پیوند انسان به مکان می‌شود و فراتر از عواطف احساسی و ادراکی است (Cross, 2001). رلف حس مکان را حسی می‌داند که با آزمودن رابطه بین محیط و پایه‌های پدیدارشناسی جغرافیا بررسی می‌شود و معنای دقیقی ندارد. بلکه باید با آزمون روابط میان مکان و پایه‌های پدیدارشناختی جغرافیا سنجیده و ارزیابی شود (Relph, 1976). از دیدگاه رلف، اگرچه هیچ چیزی بدیهی‌تر از فضا نیست، اما زمانی که فضا تبدیل به مکان می‌شود، شناخت آن به آسانی میسر نیست، زیرا با زیست‌بوم مردم عجین می‌شود. درواقع رلف در نظریه بی‌مکان خود با تأثیر هایدگر است (میرزاپور و همکاران، ۱۳۹۳). از نظر استیل، حس مکان، تجربه ویژه یک شخص در محیطی ویژه (برانگیخته از هیجانات، سرور، راحتی و ...) است (Steel, 1981).

هامن حس مکان را شامل ادراکات ذهنی افراد در مورد محیط‌شان و احساسات کم و بیش خودآگاه آنها در مورد آن تعریف می‌کند (Hummon, 1992). شامای معتقد است که مکان شیء نیست، بلکه جزئی از کلیتی است که از میان تجربه‌های حوادث پرمعنا احساس می‌شود، مکان تجربه فضا به‌وسیله انسان است، به عبارت دیگر مکان ترکیبی از انسان و طرح خاصی از محیط کالبدی زندگی اوست که به واسطه حس کردن به ادراک درآمده و تجربه می‌شود (Shamai, 1991).

شولتر معتقد است، حس مکان پدیده‌ای کلی با ارزش‌های ساختاری، فضایی و جوی است که انسان از طریق ادراک، جهت‌یابی و شناسایی به آن ناآشنا می‌گردد. حس مکان در طول زمان، یک حقیقت زنده باقی مانده است. این حس، زمانی بیش‌تر آشکار می‌شود که به دلایلی ریتم معمول زندگی به هم بخورد، مثلاً هنگامی که مکان به دلیل وقوع جنگ یا سوانح طبیعی تغییر یابد. مفهوم حس مکان، ماهیت مکان را مشخص می‌کند و در مکان‌هایی یافت می‌شود که دارای کاراکتری مشخص و متمایز هستند (Schulz, 1981). از نظر لینچ برای به‌وجود آمدن حس مکان، فضا باید نمایان و جاودانه باشد، ماهیت و هستی قابل درکی داشته باشد تا بتواند اتحاد و یگانگی ایجاد کند و همچنین احساس تعلق خاطر و دلبستگی را در شخص به‌وجود آورد. حس مکان باعث پیوند بین انسان و مکان می‌شود و وحدت ایجاد می‌کند (Lynch, 1997). آنچه در این تعریف‌ها مشترک است، به‌طور عمده از دلبستگی مکانی به‌عنوان پیوندهایی که مردم میان خود و مکان‌ها برقرار می‌کنند، یاد شده است. به‌طور کلی می‌توان حس مکان را چگونگی پیوند و ارتباط درونی

فضای ساخته شده یا فضای طبیعی است که کیفیت مکان نتیجه روابط متقابل میان سه عامل انسانی، معانی و مفاهیم و در نهایت مشخصات کالبدی است (Canter, 1997). رلف همچنین اعتقاد دارد که یک مکان، زمانی فراتر از یک فضا است که واجد سه خصوصیت محدوده کالبدی، فعالیت و معنا است (جهانگیری و قنبری، ۱۳۹۵).

درواقع مکان‌ها معمولاً کلیت‌های محیطی هستند، مانند کشورها، مناطق، چشم‌اندازها، سکونتگاه‌ها و ساختمان‌ها. لذا ما برای نامیدن آنها از واژه‌هایی مانند جزیره، دماغه، خلیج، جنگل، میدان، خیابان، کف، دیوار، سقف، پنجره و ... یا به عبارتی از اسامی استفاده می‌کنیم. مکان‌ها به‌عنوان چیزهایی واقعی هستند که وجود دارند. برخلاف مکان‌ها، معمولاً فضاها به‌عنوان سیستم و نظام ارتباطات، معمولاً به‌وسیله حروف اضافه بیان می‌شوند و بالاخره کاراکتر مکان معمولاً به‌وسیله صفت بیان می‌شود. مثل: مکان ترسناک، مکان مقدس، مکان فرح‌بخش و ... (پرتوی، ۱۳۸۲). با تمام این اوصاف دیدگاه انتقادی نسبت به مکان وجود دارد که ویژگی‌های جاری مانند اقتصاد، فرهنگ، روابط و تعاملات اجتماعی و ... مکان را منحصر به فرد می‌کند و آن را ارتباطی میان درون و بیرون می‌داند (Massey, 1994).

برخی دیگر از صاحب‌نظران بر این اعتقادند که هویت مکان و دلبستگی به مکان را به‌صورت واحد می‌توان حس مکان نامید. اما برخی دیگر اظهار داشتند که دلبستگی به مکان منتج از هویت مکان و وابستگی به مکان است (دانش‌پایه و حبیب، ۱۳۹۶). با تمام این تفاسیر ادوارد رالف در کتاب مکان و بی‌مکان (۱۹۷۶) که یکی از اولین کتاب‌هایی است که با رویکرد پدیدارشناسی به روان‌شناسی و حس مکان می‌پردازد، می‌گوید: زمانی که ما فضا را می‌شناسیم و آن را حس می‌کنیم، حتی اگر آن فضا بی‌شکل و غیرملموس باشد، فضا واجد مفهوم مکان است. برای رالف مکان‌ها مراکز معانی هستند که براساس زیست جهان شکل یافته‌اند (مدیری، ۱۳۸۷).

حس مکان

واژه حس مکان در لغت‌نامه دهخدا به معنای ادراک، دریافت و آگاهی یافتن و همچنین دریافتن به یکی از خواص پنجگانه است. مکان در دین اصطلاحاً چیزی بیش از یک محل انتزاعی است (پرتوی، ۱۳۸۲). در تعریف حس مکان تعاریف مختلفی توسط محققین ارائه شده است از جمله کروس معتقد است: حسی که حاوی باورها و فعالیت‌های فرهنگی و

میان انسان و مکان، نوع ادراک محیطی او و حس کلی انسان به مکان تعریف کرد (محمد مرادی و همکاران، ۱۳۹۸). درواقع حس مکان، وابستگی‌های مردم و پیوستگی آنها با مکان‌های‌شان و یا آنچه برخی آن را ساختار احساس نامیده‌اند دربرمی‌گیرد (Arefi, 1991). برخی صاحب‌نظران بر این اعتقادند که هویت مکان، دل بستگی به مکان و وابستگی به مکان را به‌صورت واحد می‌توان حس مکان نامید. اما برخی دیگر اظهار داشته‌اند که دل بستگی به مکان منتج از هویت مکان و وابستگی به مکان است (وئیق و یاری‌کیا، ۱۳۹۸). درواقع می‌توان حس مکان را تجربه‌ای آگاهانه از محیط دانست که فرد در مواجهه با محیط، پس از درک و شناسایی آن، (هویت مکان) نوعی ارتباط درونی و حسی با محیط برقرار کرده و پیوندی معنایی با محیط پیدا می‌کند (نژادابراهیمی و توران‌پور، ۱۳۹۸).

حس مکان مفهومی چندبعدی است که موجب شناخت سمبلیک و احساسی انسان از مکان می‌شود و شرکت در

فعالیت‌های مکان، استمرار حضور و بهره‌مندی از مکان، از این حس نشأت می‌گیرد. حس مکان نه‌فقط باعث هماهنگی و کارکرد مناسب فضای معماری و انسان است، بلکه عاملی برای احساس امنیت، لذت و ادراک عاطفی افراد نیز می‌باشد و به هویت‌مندی افراد و احساس تعلق آنها به مکان کمک می‌نماید (فلاح، ۱۳۸۵). ویژگی‌های نمادین و معنایی در شاهکارهای هنر و معماری اسلامی، همواره موجب برانگیخته شدن احساسات بازدیدکنندگان از بناهای جوامع اسلامی شده است. مفهومی که امروز از آن با نام حس مکان یاد می‌شود. در معماری ایرانی- اسلامی علاوه بر ایجاد احساس مطلوب از فضا، از مفاهیم فرهنگی و روابط اجتماعی حاصل از آنها نیز حمایت می‌کرده است (شاهروودی کلور و همکاران، ۱۳۹۹). حس مکان باعث به‌وجود آمدن شادی، غم، شغف و شور و نشاط می‌شود که این نام در مکان‌های مذهبی و تاریخی به روح مکان تعبیر می‌شود (نژادابراهیمی و توران‌پور، ۱۳۹۸).

جدول ۱. تعریف حس مکان از دیدگاه پژوهشگران

پژوهشگران/سال	توضیحات
کانت ^۱ (۱۹۷۷)	از نظر کانت حس مکان بر ارزش‌ها، نگرش‌ها و به‌ویژه رفتار فردی و اجتماعی افراد در مکان تأثیر می‌گذارد. آن‌چنان چه افراد معمولاً در فعالیت‌های اجتماعی با توجه به میزان ادراک حس مکان شرکت می‌کنند که عاملی برای احساس امنیت، لذت و ادراک عاطفی افراد بوده و به هویت‌مندی افراد و احساس تعلق آنها به مکان کمک می‌کند
رلف ^۲ (۱۹۷۶)	از نظر رلف حس مکان مفهوم مشخصی نیست که بتوان تعریف دقیقی برای آن ارائه داد، بلکه باید با آزمون روابط میان مکان و پایه‌های پدیدارشناختی جغرافیا سنجیده و ارزیابی شود
کالترن بورن ^۳ ۱۹۹۸	حس مکان یک پیوند پویا است که فرد در نتیجه دل بستگی به مکان هوشیاری نسبت به مکان، تعلق به مکان، رضایت از مکان و تعهد به مکان، آن را توسعه می‌دهد. حس مکان یک‌فاصله انتزاعی بین خود و مکان است که امکان درک مکان را به‌وجود می‌آورد. یک فضای فیزیکی با هر مقیاسی به‌خودی‌خود، حسی از مکان ایجاد نمی‌کند، بلکه طی برهم‌کنش‌هایی بین افراد و مکان و بین خود افراد این حس تولید می‌شود
شولتز ^۴ (۱۳۸۹)	نوربرگ شولتز حس مکان را پدیده‌ای کلی و با ارزش‌های ساختاری می‌داند که در بستر ادراک و جهت‌یابی فضایی ممکن می‌شود
کراس ^۵ (۲۰۰۱)	حس مکان چیزی است که ما خودمان در یک دوره‌ای از زمان ایجاد می‌کنیم و نتیجه عرف یا سنت است.
شامای ^۶ (۱۹۹۱)	حس مکان با چیزی که شاید بشود آن را حس رویدادهای تکراری نامید، تقویت می‌گردد حس مکان مخلوطی از احساسات خودآگاه و ناخودآگاه و دریافت‌ها (ادراک) است؛ مفهومی است غنی که چگونگی دریافت، تجربه و بیان افراد را شامل می‌شود و به یک مکان معنا می‌دهد و حس فرد از مکان روی نگرش‌ها و رفتار وی در آن مکان تأثیر می‌گذارد

تعریف حس مکان از دیدگاه پژوهشگران

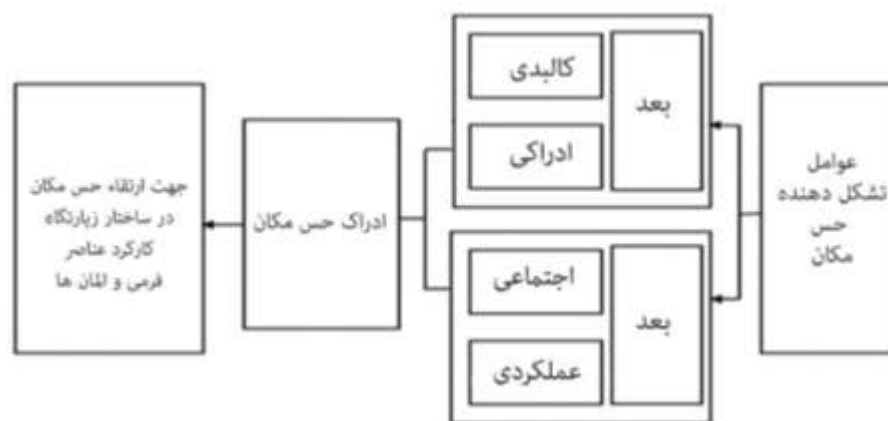
1. Canter
2. Relf
3. Caltran Bourne
4. Schultz
5. Cross
6. Shamai

ارتباطات درونی بین این ابعاد است؛ عوامل مؤثر بر حس مکان را می‌توان مجموعه‌ای از ادراکات ذهنی زیبا شناسان، عاطفی، تاریخی و مذهبی و از سویی عملکردها و فعالیت‌ها و ویژگی‌های احساسی متناسب به یک مکان قلمداد کرد (مظلومی، ۱۳۸۹). با توجه به مفهوم حس مکان در دیدگاه‌های مختلف و سطوح مختلف آن، عوامل شکل‌دهنده حس مکان را می‌توان به عوامل کالبدی (عینی)، ادراکی (ذهنی)، اجتماعی و عملکردی تقسیم‌بندی نمود (آی‌شم و میرغلامی، ۱۳۹۵).

عوامل شکل‌دهنده حس مکان

بعضی از مکان‌ها آن‌چنان جاذبه‌ای دارند که به فرد نوعی احساس وصف‌نشدنی القاء می‌کنند و او را سرزنده، شاداب و علاقه‌مند به حضور و بازگشت به آن مکان‌ها می‌کنند که حس مکان نامیده می‌شود. تجربه مکان، فردی و ذهنی است که انسان در آن با خیلی از افراد هم احساس می‌شود و این هم احساسی که درواقع حضور فیزیکی شخص در مکان و تجربه ناخودآگاه آن است، همان حس مکان است (فلاح، ۱۳۸۵).

حس مکان بیانگر ابعاد عاطفی، منطقی، نمادین و روحانی رابطه بین انسان و محیط و دربرگیرنده نظامی پیچیده از



شکل ۱. نمودار چارچوب نظری پژوهش

و حس رضایتمندی از آن تأثیر بسیار دارد (مرادی رضی آبادی و فروزنده، ۱۳۹۶).

مؤلفه عملکردی: حیطه عملکردی که بر نقش عوامل اجتماعی در شکل‌گیری حس مکان تأکید می‌کند. شامل جنبه‌های مختلف حضور، مشارکت، برقراری تعاملات اجتماعی و برخورداری از حمایت اجتماعی در محیط، جامعه و اجتماعات محلی است (دانش‌پایه و همکاران، ۱۳۹۶). از آنجا که بسیاری از فعالیت‌های انسان شامل رفتارهای عملی است، محیط کالبدی باید با توانمندی‌های انسان سازگار باشد (لنگ، ۱۳۹۴). ازجمله مؤلفه‌های عملکردی که می‌تواند در ارتقای حس مکان در درون فضاهای معماری مؤثر باشد، می‌توان به مالکیت، طبیعت، فضاهای خصوصی و جمعی، موقعیت، زمینه و بستر، وجود خدمات و کاربری‌های متنوع، موقعیت قرارگیری مکان در زمینه شهری و نحوه ارتباط با پیرامون اشاره کرد (وثیق و یاری‌کیا، ۱۳۹۸).

مؤلفه اجتماعی: نقش متغیرهای اجتماعی مانند نشانه‌ها، فرهنگ و نمادهای اجتماعی اهمیت بالایی در حس مکان دارند، به‌طوری‌که تا قبل از سال ۱۹۸۷ متغیرهای کالبدی

مؤلفه کالبدی (فرمی): عوامل کالبدی بخشی از روند شناخت و هویت‌انسانی است که شامل ساختار کالبدی مکان است. ریچر و لاواراکس، نقش کالبد را ریشه‌داری ذکر کرده که بر این اساس، فرد حس تعلق به مکان و محیط را به همراه اجزا و ساختار کالبدی به ذهن می‌سپارد (فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۱). فریتز استیل عواملی مانند تناسب‌ها، تضاد، مقیاس، اندازه مکان و درجه محصوریت را مهم‌ترین عوامل کالبدی در درک حس مکان می‌داند (میرغلامی، آی‌شم، ۱۳۹۵).

لینچ حس مکان را عامل پیوند بین انسان و مکان می‌داند که وحدت بین آنها ایجاد می‌کند. برای به‌وجود آمدن حس مکان، فضا باید نمایان و جاودانه باشد، ماهیت و هستی قابل درکی داشته باشد تا بتواند اتحاد و یگانگی ایجاد کند و همچنین احساس تعلق خاطر و دلبستگی را در شخص به‌وجود آورد (کاشی و بنیادی، ۱۳۹۲). درواقع می‌توان گفت ویژگی‌های متغیر محیط مانند رطوبت، دما و امکان انجام فعالیت فردی و ارتباطات جمعی به‌وسیله اجزای ساکن و ایستای محیط مانند تناسب‌ها، اشکال، فرم‌ها و اندازه‌ها در تأمین فعالیت‌ها از مکان

می‌باشد. بنابراین حس مکان ساختاری، شناختی است که شخص با آن به مفاهیم، ادراک، نشانه‌ها، اشخاص و اشیاء یک مکان احساس تعلق و دلبستگی می‌کند (میرغلامی و آیشم، ۱۳۹۵).

مکان‌های انسان‌ساخت، با تأثیر ارزش‌های جامعه شکل می‌گیرند. بنابراین می‌توان معانی مذکور را مطابق طبقه‌بندی گیفورد درزمینه عوامل مؤثر بر ادراک، در قالب سه عامل شخصی (انسان و معانی موجود در ذهن او) فیزیکی و فرهنگی طبقه‌بندی نمود. معانی موجود در مکان، از طریق تجارب حسی دریافت شده و در مرحله بعد ادراک ناشی از آگاه شدن از طریق حواس را شکل می‌دهد (کلالی و مدیری، ۱۳۹۱). فضای معماری که به‌صورت مستقیم مشاهده و درک می‌شود، از طریق ساختار تعریف‌کننده‌اش شناخته می‌شود (حبیبی، ۱۳۸۷). که این شناخت با نظام مفهومی فضا و مکان ساخته شده در ایجاد کیفیت خاص و حس تعلق به مکان اثر دارد. با توجه به موارد ذکر شده و عوامل تشکیل‌دهنده حس مکان در بناها می‌توان این عوامل را در جدول زیر خلاصه نمود:

جایگاهی در مطالعات نداشتند و اغلب پژوهش‌ها به نقش عوامل اجتماعی در شکل‌گیری حس مکان پرداخته‌اند. البته باید خاطر نشان کرد، پژوهشگرانی چون راپاپورت، پروشانسکی، ریچر و لاواراکاس در پژوهش‌های خود بر نقش عوامل کالبدی تأکید داشته‌اند. اما محیط کالبدی را زمینه اجتماعی می‌دانند (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۷). در حقیقت از یک‌سو، نشانه‌های محیطی مشترک اجتماعی و از سوی دیگر قابلیت محیطی در تأمین و گسترش این بعد از نیازهای انسانی است. در حقیقت همه انسان‌ها در جستجوی تعلق به خویشاوندان و دوستان می‌باشند و دارای نیاز اجتماعی هستند. در این سطح از حس تعلق، محیط به‌عنوان بستر اجتماعی و فرهنگی است که افراد، عناصر کالبدی را براساس ادراک و نظام ساختارشناختی خود کشف و تعبیر می‌کنند. به این معنا که انسان‌ها به‌صورت جمعی از محیط رمزگشایی می‌کنند (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۷).

مؤلفه معناشناختی (ادراکی): حس مکان ترکیبی از مفاهیم، کیفیت‌ها و نشانه‌هایی است که فرد به‌صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از مکان درک می‌کند. از عوامل حس مکان، مفاهیم نشانه‌گذاری شده توسط فرد پس از ادراک مکان

جدول ۲. عوامل مؤثر بر مؤلفه‌های حس مکان

بعد معناشناختی (ادراکی)	بعد کالبدی	بعد اجتماعی	بعد عملکردی
هویت و اصالت	تناسبات	فعالیت‌ها	کاربری‌ها
زیبایی و ابعاد ادراکی	فرم و اندازه	تعاملات	پایایی
جذابیت و سبزیگی	بافت و تزیینات	ارتباطات اجتماعی در فضا	آسایش
نمادها و نشانه‌ها	روابط و چیدمان	پویایی و سرزندگی فضا	دسترسی و نفوذپذیری
خاطرات و تعلقات	درجه محصوریت	تنوع رفتاری	کیفیت مسیرها
ارزش	خوانایی	حس اجتماع	جذابیت
بافت‌های تاریخی ارزشمند	رعایت مقیاس انسانی	نظارت	خوانایی
	هندسه	فعالیت‌ها و رفتارها	تناسب بین فرم و عملکرد
	تضاد		کاربری
	مصالح		وسایل رفاهی
	تنوع بصری		وجود نشانه‌ها و نمادها
	عوامل طبیعی		
	مکان‌های شاخص		

از شاخص‌ترین و تأثیرگذارترین فضاها بر روح و روان مردم و نوع زندگی آنها به‌شمار می‌روند. این فضاها علاوه بر آنکه از عهده انجام وظایف دینی ساکنان بر می‌آید، کانونی برای بحث در مورد مسائل سیاسی، مذهبی، اخلاقی، تربیتی و اجتماعی نیز بوده است. از مهم‌ترین فضاها، مذهبی در شهرها می‌توان به بقعه متبرک امامزادگان، مساجد جامع و محلی، حسینیه‌ها اشاره نمود که حضور آنها در بافت شهری، ضمن آنکه نشان از جایگاه رفیع و پررنگ ارزش‌ها و باورهای اعتقادی و دینی دارد،

حس مکان و زیارتگاه‌ها: عرصه‌های عمومی فضاهای شهری شهرهای قدیم ایران، در متن شهرهای آیینی تحقق می‌یافتند. در این‌گونه شهرها، آیین‌ها، عادات، سنت‌ها و خاطرات جمعی مردم، مهم‌ترین عناصری هستند که بنیان شکل‌گیری عرصه‌های عمومی را تشکیل می‌دهند. مهم‌ترین فضاهای عمومی این دوره عبارت بود از بازار، مکان‌های مذهبی (در شکل‌های مختلف از جمله تکیه‌ها، آرامگاه‌های مذهبی و...) قهوه‌خانه‌ها، دارالحکومه. فضاهای مذهبی همواره

در اشاره به مفهوم دینی و مذهبی‌شان «امامزاده» نام گرفته‌اند (توکلی و آقایی اصل، ۱۳۹۴).

پیشینه پژوهش

فلاح (۱۳۸۵)، در مطالعه‌ای با عنوان «مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن» به بررسی حس مکان، سطوح مختلف آن و عوامل تشکیل‌دهنده آن از دیدگاه پدیدارشناسی و روان‌شناسی محیط پرداخته است. در نهایت، ضمن رسیدن به این جمع‌بندی که حس مکان حاصل ارتباط درونی انسان، تصورات ذهنی او و ویژگی‌های محیطی است، به مدلی برای نمایش چگونگی این تأثیرات دست یافته است.

بدیعی و همکاران (۱۳۸۷)، در مطالعه‌ای با عنوان «نقش حس مکانی در هویت بومی مطالعه موردی: دانشجویان یاسوجی دانشگاه‌های تهران» به این جمع‌بندی رسیدند که فرهنگ قومی علی‌رغم آنکه با تأثیر فرهنگ عمومی قرار گرفته است. اما در این تعامل توانسته سنت‌های خود را حفظ کند و همچنان هویت بومی خود را با استفاده از ادبیات شفاهی ارائه نماید.

تابان و همکاران (۱۳۹۰)، در مطالعه‌ای با عنوان «هویت و مکان رویکردی پدیدارشناسانه» به نحوه شکل‌گیری هویت مکانی و عوامل دخیل در آن، پرداختند و مدلی ارائه دادند که در آن چگونگی شکل‌گیری هویت در ارتباط با مکان در جهت خلق مکان‌های با معنا بررسی شده است.

احمدیان کیسمی و همکاران (۱۳۹۶)، در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی مقایسه‌ای مساجد عربی - اسلامی با مساجد ایرانی - اسلامی» به بررسی و شناخت شاخص‌های افتراق و تشابه مساجد پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد شاخص‌های بعد عبادی مانند وحدت، اتصال صفوف، عدالت، در ارزش‌گذاری فضاها، تشابه قابل توجهی دارند و نیز نتایج و مبانی نظری مبین این نکته مهم هستند که شاخص‌های به‌دست آمده می‌توانند مبنایی برای الگوهای مساجد اسلامی در دو بعد ایرانی و عربی باشند.

دانش‌پور و صفارسبزواری (۱۳۹۷)، در مطالعه با عنوان «تحلیلی بر عوامل کالبدی مؤثر بر حس تعلق به مکان در مرکز قدیمی شهر سبزوار» به این جمع‌بندی رسیدند که حس تعلق شهروندان به خیابان بیهق در سطح بالایی است و سه هنجار تنوع و جذابیت، شخصیت کالبدی منحصربه‌فرد و دید و منظر نسبت به سایر عوامل، همبستگی بیش‌تری با حس تعلق دارند، بنابراین در ایجاد، حفظ و ارتقای حس تعلق به مکان مورد مطالعه مؤثرترین.

صادقی و همکاران (۱۳۹۷)، در مطالعه‌ای با عنوان «بازشناخت مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری مکان در شهر ایرانی اسلامی» به این جمع‌بندی رسیدند که مؤلفه‌های فرم، فعالیت، معنا و تصورات و

محرك رشد توسعه و رونق بافت شهری نیز گردیده است. در واقع، تقسیم عمومی جهان به پدیده‌های قدسی و غیر قدسی از پایه‌های اساسی اندیشه دینی است که در فضای شهر بازتولید می‌شود. درواقع شهر مجموعه‌ای از فضاها با درجه متفاوتی از تقدس یا عدم تقدس است. در مجموع باید بیان داشت مهم‌ترین موضوعات متمایزکننده این فضاها نسبت به سایر فضاها شهری، وجود آگاهی زنده و پویا از محیط، یک تکرار دینی و مذهبی و یک احساس رفاقت و دوستی با مکان است. بنابراین شهروندان با آگاهی و بر مبنای اعتقادات دینی و مذهبی خود از فضای امامزادگان بهره می‌گیرند. زیبایی‌های فرامادی و معنوی این مکان‌ها بر مبنای جاذبه‌ای که برای شهروندان ایجاد می‌نمایند، در فرد نوعی احساس وصف‌نشدنی ایجاد می‌نماید که حس تعلق، بازگشت به محیط را در وی پدید می‌آورد (ستاری‌فرد، ۱۳۹۴).

همان‌طور که اشاره شد در معماری دوره اسلامی ایران علاوه بر مجموعه‌های عام‌المنفعه شهری، مجموعه بناهایی نیز وجود دارند که با دفن یک فرد شاخص سیاسی و مذهبی به‌وجود آمده‌اند. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان مجموعه‌های مزبور را به دودسته مذهبی و سیاسی تقسیم کرد. مجموعه‌های آرامگاهی مذهبی که مهم‌ترین دسته مجموعه‌های آرامگاهی را تشکیل می‌دهند، نخستین مجموعه‌هایی بودند که در ایران دوره اسلامی برپا شدند. این مجموعه‌ها همواره به‌صورت زیارتگاه مورد علاقه مردم بوده‌اند. بعد از دوره سلجوقی ساخت مجموعه‌های آرامگاهی با الهام از اماکن مقدس و متبرکه و مراکز علمی-آموزشی که درواقع ترکیبی از مجموعه‌های علمی مذهبی است، به یک سنت شهری و معماری تبدیل شده است.

از دوران صفوی به بعد سنت آرامگاه سازی نسبت به سایر ادوار اسلامی سیر نزولی پیمود و مقابر غیرمذهبی جای خود را به‌طور کامل به قبور مقدس داد. ساخت مقبره بر مزار از قرن اول ثبت شده و در روایات برای سازنده آن اجر معنوی در نظر گرفته شده است. بقعه‌های امامزادگان در فرهنگ مردم تأثیر داشته‌اند. به محل و محدوده مزار امامان و امامزادگان حرم گفته می‌شود. در دین اسلام حرم محدوده‌ای زمانی مکانی است که در نحوه رسیدن به آن سلسله مراتبی از تقدس وجود داشته باشد. سلسله‌مراتب یاد شده به‌وسیله نمادها و نشانه‌ها و اندازه‌هایی از فضاها به‌دست می‌آید و بر همین منوال نحوه مناسک و حرمت‌ها و افعال انسانی در آن دچار تغییر خواهد شد. لذا تقدس مکانی بر سلوک و مناسک فرد مؤثر است (وثیق، ۱۳۹۹). به‌طور کلی بناهای آرامگاه‌ها بعد از مساجد بیش‌ترین حجم بناهای بازمانده در معماری اسلامی را به خود اختصاص داده‌اند. غالب آنها به استناد شکل ظاهری‌شان «قبه» و یا «گنبد» و به اعتبار رایج‌ترین عملکردشان «تربت» و یا

نشانه‌ها و عناصر کالبدی در کالبد و ارتقای سطوح حس مکان در آن می‌باشد و سنجش تطبیقی اثرگذاری آنها در زیارتگاه علی ابن مهزیار است. درواقع تلاش برای دستیابی به مؤلفه‌هایی برای رفع خلاء در حوزه نظری مربوط به سنجش حس مکان در فضاهای زیارتگاهی رسالت و هدف این پژوهش است. در این پژوهش ضمن توجه به ابعاد کالبدی، کارکردی، ادراکی، مؤلفه‌هایی اثرگذار بر حس افزایش حس معنوی مانند اثر مناسک زیارت، ویژگی‌های جمعی هنگام زیارت و زمینه معنوی فردی پیشنهاد شده است. زیارتگاه علی ابن مهزیار شاخص‌ترین بنای زیارتگاهی درون‌شهری اهواز می‌باشد که تاکنون در زمینه حس تعلق به مکان در این زیارتگاه تحقیقی انجام نگرفته است. در این پژوهش ضمن استفاده از پژوهش‌های پیشین تلاش شده تا با بررسی و شناسایی مؤلفه‌های حس مکان در این زیارتگاه در نهایت به اصول و راهکارهای جهت تدوین فرآیند و شیوه مناسب برخورد با مؤلفه‌های حس مکان معماری در بناهای زیارتگاهی دست یافت.

روش انجام پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی و از نظر هدف، کاربردی است. پژوهش از دو بخش مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی تشکیل شده است. شاخص‌های حس مکان با استفاده از مطالعات نظری و مطالعات مشابه موجود در این زمینه، مشخص و سپس با ابزار پرسشنامه این شاخص‌ها مورد سنجش قرار گرفت. سؤال‌های طراحی شده شامل ۲۰ سؤال با ۵ سؤال برای سنجش مؤلفه کالبدی، ۴ سؤال برای سنجش مؤلفه معناشناختی (ادراکی)، ۶ سؤال برای سنجش مؤلفه اجتماعی و ۵ سؤال برای سنجش مؤلفه عملکردی است. پاسخ‌های پرسشنامه در قالب طیف پنج گزینه‌ای لیکرت از خیلی زیاد تا خیلی کم مشخص شده است.

مؤلفه اکوسیستم بر شکل‌گیری مکان در شهر ایرانی-اسلامی تأثیرگذارند.

محمدمرادی و همکاران (۱۳۹۸)، در مطالعه‌ای با عنوان «سنجش حس مکان و شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر آن در بافت تاریخی تهران»، به این نتیجه رسیدند که بهبود حس مکان و غنای حسی و هویت مکانی لازمه معماری امروز است. وجود صرف نشانه‌های سنتی در یک بافت شهری نمی‌تواند منجر به تقویت حس مکان شود. بنابراین می‌توان با برنامه‌ریزی‌های مدبرانه و ساماندهی کالبدی به‌موازات توجه به نیاز کاربران، به سطح بالاتری از تعلق به مکان، ادراک معنای محیط و بهبود هویت مکانی دست یافت.

شاهرودی کلور و همکاران (۱۳۹۹)، در مطالعه‌ای با عنوان «سنجش تطبیقی حس مکان در عناصر کالبدی مساجد سنتی و معاصر شیراز» به دنبال کشف نقش عناصر کالبدی سنتی و معاصر ساختار مساجد در ارتقای حس مکان هستند. نتایج پژوهش نشان داد که مؤلفه‌های کالبدی در ساختار مسجد سنتی و معاصر سطوح مختلف حس مکان را تأمین می‌کنند و تفاوت تنها در اولویت‌بندی آنها است.

وثیق (۱۳۹۹)، در مطالعه‌ای با عنوان «تبیین کاربست حس معنوی مکان جایگزین مفهوم حس مکان (نمونه شاهد: حرم امام رضا (ع))» برای ارزیابی حس مکان در فضاهای مذهبی که دارای خاطرات جمعی است به تدوین چارچوبی برای سنجش ابعاد معنوی فضا پرداخته است.

پژوهش‌های مطرح شده؛ به دنبال عرضه راهکارهایی جهت طراحی مناسب از جهت تناسب‌ها، ابعاد، فعالیت‌ها، فرم و روابط فضایی در طرح کالبدی و اثرگذاری این عوامل بر ازدیاد حس مکان در فضای موردنظر از دیرباز تا به اکنون بوده است. در صورتی که پژوهش حاضر در پی کشف روابط و نحوه اثرگذاری



نمودار ۲. دیاگرام روند پژوهش

کرونیخ استفاده شد. ضریب آلفای کرونیخ برای زیارتگاه علی بن مهزیار در مجموع ۰/۷۳ به دست آمد که در جدول ۳ ارائه شده است.

با توجه به ابعاد و مؤلفه‌های حس مکان، برای تأیید روایی پرسشنامه از روش روایی صوری استفاده شد، به این صورت که پرسشنامه بین ۲۵ متخصص در حوزه معماری و گردشگری توزیع گردید. برای تأیید پایایی پرسشنامه از روش آزمون آلفای

جدول ۳. میزان ضریب پایایی مؤلفه‌های مؤثر بر حس مکان

عوامل	تعداد شاخص‌ها	آلفای کرونیخ
کالبدی	۵	۰/۷۰
معناشناختی (ادراکی)	۴	۰/۷۳
اجتماعی	۶	۰/۷۸
عملکردی	۵	۰/۷۱
کل سؤال‌ها	۲۰	۰/۷۶

در محیط آرامگاه است. برای سنجش حس مکان چهار مؤلفه کالبدی، معناشناختی (ادراکی)، اجتماعی و عملکردی در نظر گرفته شد. برای هر مؤلفه، زیر مؤلفه‌هایی در راستای سنجش مؤلفه طرح شد. ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مورد بررسی در جدول ۴، ارائه شده است.

با توجه به نامشخص بودن تعداد دقیق جامعه آماری گردشگران موردنظر، با استفاده از جدول مورگان تعداد شرکت‌کنندگان در نظرسنجی ۷۸ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین شد. سپس برای بررسی مفهوم حس مکان در فضای آرامگاهی علی بن مهزیار، پرسشنامه تهیه شده بین زائرین زیارتگاه توزیع شد که شامل تمام رده‌های سنی و اقشار حاضر

جدول ۴. ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های سنجش حس مکان در بناهای مذهبی - فرهنگی

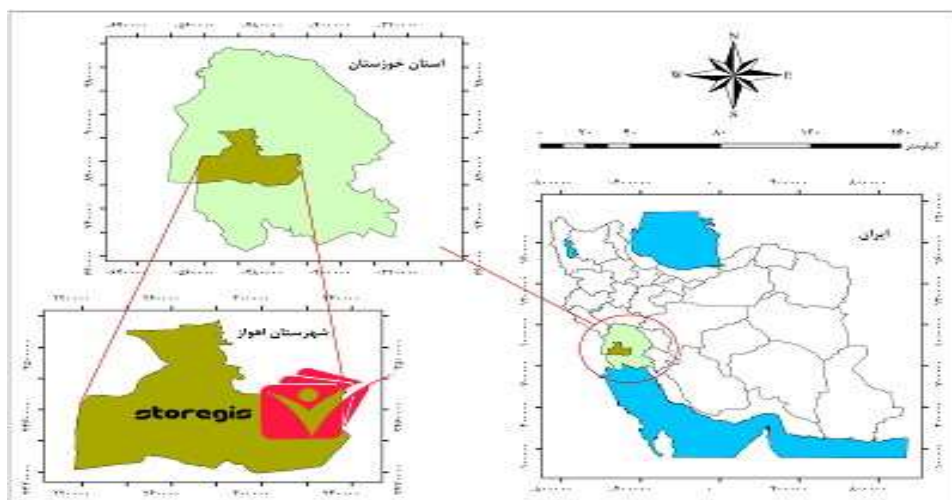
ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	توضیحات شاخص‌ها
کالبدی (فرمی)	تناسب بصری	فرم و اندازه و تقارن	تقسیم‌بندی هندسی در نما و پلان
		بافت و تزئینات	کیفیت جداره‌ها و بازشوها از لحاظ بافت، فرم، مصالح و تنوع بصری
	فرم و هندسه ادراکی	نور و رنگ	بازی با نور و رنگ
		روابط و چیدمان فضایی و وحدت میان بدنه‌ها	نوع طراحی و تناسب میان اجزای نما (گنبد، گلدسته، طاق و...)
معناشناختی (ادراکی)	آرامش و معنویت بنا	معنویت و مقدس بودن زیارتگاه	وجود فضای باز و بسته (صحن و شبستان) برای کارهای جمعی
		رنگ تعلق و غنای حسی	زنده کردن یاد خدا در فضایی آرام و ارزش‌های دینی و انسانی
	دلبستگی و تعلق خاطر	حکایات و سخنان علما و بزرگان	تأثیر خاطرات، روایات، ذنورات و معجزات و...
		هویت تاریخی زیارتگاه	تأثیر قدمت زیارتگاه در هویت تاریخی و فرهنگی
اجتماعی	مشارکت اجتماعی	تعلقات قبلی و خاطره‌انگیزی	منعکس‌کننده فرهنگ، عقاید و ارزش‌ها و رنگ‌های معنوی فضا
		سرزندگی	تأثیر چهره زیارتگاه برای حفظ محله‌ای سرزنده و پویا
	ایمنی و امنیت	تعاملات اجتماعی و کانون فضایی	محل پیوند اعضای جامعه و مشارکت در امور مربوط به زیارتگاه با تأکید بر حس وحدت
		تنوع فعالیتی و عملکردها	محور کانون مراسم فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و آیینی در بنا
عملکردی	بهداشت	روشنایی و ایمنی	نورپردازی شبانه
		حس امنیت در رفت و آمد	رضایت و امنیت افراد در مسیر و محله
	خدمات	پاکیزگی مکان و حداقل آلودگی	متناسب بودن تعداد سرویس‌ها و بهداشت مکان با زائرین در ایام خاص
		استفاده از عملکرد امامزاده	تنوع عملکردی فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و یادبودها
نفوذه‌پذیری و دسترسی	نفوذه‌پذیری و دسترسی	هماهنگی کاربری بنا با محله	شکل‌دهنده هویت اجتماعی و شهری
		وجود مسیرهای پیاده و سواره	متناسب بودن عرض معابر دسترسی پیاده و سواره با زائرین در مراسمات مختلف
		موقعیت مکان و دسترسی	قابل‌دسترس بودن از سایر نقاط شهر و ارتباط مکان با محیط پیرامون
		حجم و شدت ترافیک	تناسب معابر سواره با وسایل نقلیه در ایام مذهبی و خاص

گنبدی دپوش با تزئینات کاشی‌کاری و معلق بود. در سال ۱۳۶۰ در ابتدای جنگ تحمیلی، بنای بقعه آسیب جدی دید. بنای جدید شامل زیارتگاه اصلی، مسجد و تأسیسات خدماتی چون زائرسرا، درمانگاه و کتابخانه می‌باشد (مخلص، ۱۳۹۵). آستان مقدس علی بن مهزیار اهوازی برای توسعه و احیاء در سال ۱۳۸۹ با پیگیری اداره کل اوقاف و امور خیریه استان خوزستان جهت بازسازی تخریب گردید که به دلیل نبود اعتبار کافی و درآمد نامناسب وعدم انجام مطالعات اقتصادی مناسب، متأسفانه تکمیل روند اجرای پروژه تاکنون ادامه داشته است. درواقع روند بازسازی منجر به اصلاح و الحاق بخش‌هایی به بنای اصلی شده که این مسئله منجر به ایجاد فضایی با بار معنایی و حسی کمرنگ برای زائران شده است.

در گام بعدی، تحلیل آماری تمامی داده‌های به‌دست آمده در محیط نرم‌افزار SPSS انجام شد. برای تعیین رابطه، شدت و جهت رابطه میان ابعاد و مؤلفه‌ها با حس مکان از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. در انتها برای مشخص کردن تأثیر ابعاد بر حس مکان از تحلیل رگرسیون خطی استفاده شد.

محدوده مورد مطالعه

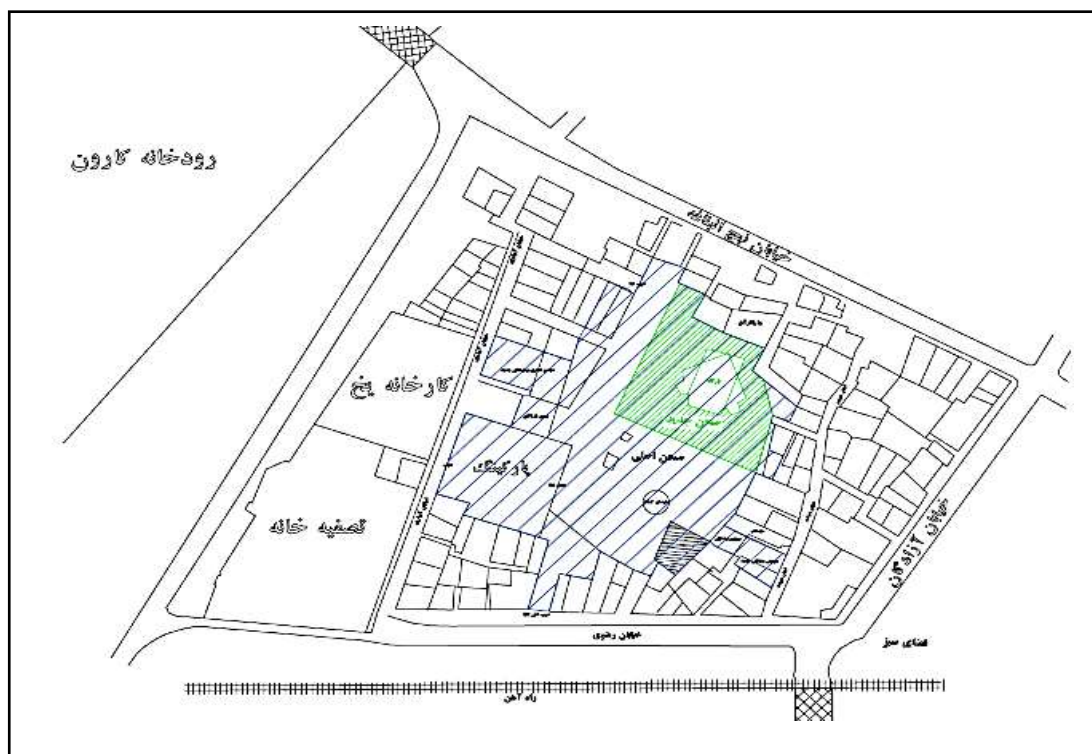
زیارتگاه علی ابن مهزیار: بنای بقعه کنونی بقعه علی بن مهزیار تازه ساخت می‌باشد که بر ویرانه‌های بنای قدیمی که بر اثر اصابت موشک ویران شده، بنا گردیده است. لیکن بنای قبلی نیز قدمت قابل ملاحظه‌ای نداشت و سبک بنا بیش‌تر معماری اواخر صفویه را تداعی می‌کرد. به نظر می‌رسد که در دوره قاجاریه نیز تعمیرات مفصلی در آن صورت گرفته بود. بنا دارای حرم، رواق، صحن و



شکل ۱. موقعیت استان خوزستان و شهر اهواز به تفکیک کشور و استان
مأخذ: مرکز آمار ایران



شکل ۲. موقعیت آرامگاه علی بن مهزیار در شهر اهواز
مأخذ: نقشه جامع شهر اهواز، ۱۳۹۷



شکل ۳. پلان زیارتگاه علی ابن مهزیار



شکل ۴. تصویر آرامگاه بازسازی شده بعد از جنگ تا سال ۱۳۸۹ (سازمان اوقاف خوزستان) شکل ۵. تصویر کنونی بنا



شکل ۶. تصویر سه‌بعدی زیارتگاه علی ابن مهزیار

یافته‌ها

سال قرار داشتند. در مورد تحصیلات ۳۱٫۷٪ پاسخگویان دیپلم و زیردیپلم، ۷٪ کاردانی، ۴۳٫۳٪ کارشناسی و ۱۸٪ دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر هستند.

براساس داده‌های گردآوری شده، ۶۳٪ پاسخگویان زیارتگاه زن و ۴۷٪ مرد است. درباره توزیع سنی پاسخگویان ۵۷٪ در بازه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال، ۳۶٪ بیش از ۴۰ سال و ۷٪ کم‌تر از ۲۰

جدول ۵. توزیع فراوانی متغیرهای جمعیت شناختی

بازرسی و ارزیابی آمیخته‌های آبی-سبز									
زیارتگاه علی بن مهزیار	سن	جنسیت		تحصیلات					
	کم‌تر از ۲۰ سال	بین ۲۰ تا ۴۰ سال	بیش از ۴۰ سال	زن	مرد	زیر دیپلم و دیپلم	کاردانی	کارشناسی	کارشناسی ارشد و بالاتر
	۷٪	۵۷٪	۳۶٪	۶۳٪	۴۷٪	۳۱/۷٪	۷٪	۴۳/۳٪	۱۸٪

عوامل کالبدی مانند نورپردازی و رنگ، تزیینات، مصالح و بافت بنا، دومین مؤلفه تأثیرگذار در انتقال حس مکان به بیننده هستند.

سومین متغیر تأثیرگذار در القاء حس مکان، متغیر فرم و هندسه ادراکی با ضریب همبستگی ۰/۷۳۸ می‌باشد. هماهنگی بصری و وحدت میان بدنه‌ها با عناصری نظیر گنبد، گلدسته و طاق، یادآور مکان‌های مقدس و معنویت می‌باشد.

پس از آن به ترتیب تعلق خاطر و دلبستگی یا ضریب همبستگی ۰/۶۹۹، مشارکت اجتماعی با ضریب همبستگی ۰/۶۶۴، نفوذ و سهولت دسترسی به آرامگاه برای زائرین با ضریب همبستگی ۰/۶۲۶ و خدمات با ضریب همبستگی ۰/۵۹۹ در رده‌های بعدی عوامل مؤثر بر القاء حس مکان قرار دارند. امنیت با ضریب همبستگی ۰/۵۱۰ کم‌ترین تأثیر را در القاء حس مکان دارد.

در تحلیل داده‌های پرسش‌نامه با نرم‌افزار Spss و با آزمون همبستگی پیرسون و بررسی واریانس، میزان معناداری و همبستگی بین متغیرها بررسی و سپس با تحلیل رگرسیون خطی، میزان تأثیرگذاری هر متغیر بر حس مکان در زیارتگاه علی ابن مهزیار مشخص شد.

با توجه به نتایج به‌دست آمده از آزمون همبستگی پیرسون و طبق اطلاعات جدول ۵، در زیارتگاه علی بن مهزیار، متغیر آرامش و معنویت با ضریب همبستگی ۰/۸۸۴ و سطح معناداری کم‌تر از ۰/۰۵ بالاترین مقدار همبستگی را در میزان حس مکان دارد. یعنی عوامل معناشناختی (ادراکی) از قبیل معنوی بودن بنا و وجود فضایی دنج و آرام، منجر به ایجاد آرامش روحی را در افراد حاضر در محیط می‌شود. متغیر تناسب بصری با ضریب همبستگی ۰/۷۷۵ و سطح معناداری کم‌تر از ۰/۰۵ دومین متغیر اثرگذار در القاء حس مکان است. به‌این معنی که

جدول ۶. آزمون همبستگی پیرسون مؤلفه‌ها و شاخص‌های مؤثر بر القاء حس مکان

القاء حس مکان			
عوامل	متغیر مستقل	زیارتگاه علی بن مهزیار	
		ضریب همبستگی پیرسون	ضریب معناداری
کالبدی	تناسب بصری	۰/۷۷۵	۰/۰۰۰
	فرم و هندسه ادراکی	۰/۷۳۸	۰/۰۰۰
معناشناختی (ادراکی)	آرامش و معنویت	۰/۸۸۴	۰/۰۰۰
	دلبستگی و تعلق خاطر	۰/۶۹۹	۰/۰۰۰
اجتماعی	مشارکت اجتماعی	۰/۶۶۴	۰/۰۰۰
	امنیت	۰/۵۱۰	۰/۰۰۵
عملکردی	خدمات	۰/۵۹۹	۰/۰۰۴

مورد ذکر بر القاء حس مکان تأثیرگذارند. بیشترین اثر مربوط به مؤلفه‌های کالبدی و ادراکی است به این معنا که دو مؤلفه مذکور به ترتیب بیشترین تأثیر را در ارتقای حس مکان دارند. مؤلفه اجتماعی کمترین تأثیر را نسبت به سایر مؤلفه‌ها در ارتقای حس مکان دارد (جدول ۷).

برای تأیید همبستگی میان متغیرها از رگرسیون خطی استفاده شد و مؤلفه‌های کالبدی، ادراکی، اجتماعی و عملکردی وارد معادله رگرسیون شدند. مقدار آماره آزمون و معناداری مربوط به آزمون رگرسیونی، تأثیر هر یک از مؤلفه‌ها را بر روی متغیر حس مکان نشان می‌دهد، تمامی متغیرها در تبیین پراکندگی متغیر وابسته حس مکان تأثیرگذار هستند و به عبارتی هر چهار مؤلفه

جدول ۷. برآورد مقادیر ضرایب در مدل رگرسیونی اثر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

مقدار P	آماره آزمون	خطای استاندارد	همبستگی و مقدار بتای استاندارد	زیارتگاه	متغیر وابسته	نقش متغیر مستقل
۰/۰۰۰	۴۲	۰/۰۳۴	۰/۸۰۶	علی بن مهزیار	حس مکان	کالبدی
۰/۰۰۰	۴۸/۸۷	۰/۰۴۴	۰/۸۴۱			معناشناختی (ادراکی)
۰/۰۰۲	۳۶/۶۸	۰/۰۲۴	۰/۶۳۷			اجتماعی
۰/۰۰۱	۳۹/۱۴	۰/۰۴۶	۰/۶۶۲			عملکردی

معناشناختی (ادراکی)، اجتماعی و خدمات، مؤلفه‌های دیگری بر ایجاد حس مکان در بناهای آرامگاهی و مذهبی دخیل هستند که این امر لزوم توجه به ابعاد پنهان ولی مؤثر بر ارتقای حس مکان را نشان می‌دهد.

بررسی مؤلفه‌های حس مکان در زیارتگاه علی بن مهزیار نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته حس مکان بیش از ۶۸ درصد واریانس حس مکان را تبیین می‌کند. به عبارت دیگر، علاوه بر چهار مؤلفه کالبدی (فرمی)،

جدول ۸. خلاصه آمارهای مربوط به پردازش مدل

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
۰/۸۹۵	۰/۷۱۵	۰/۶۸۹	۰/۲۶۳۸۶

متغیر تناسب بصری دومین متغیر اثرگذار در القاء حس مکان می‌باشد. به این معنی که عوامل کالبدی مانند نورپردازی و رنگ، تزئینات، مصالح و بافت بنا بیشترین اثر را در انتقال حس مکان به بیننده دارند. سومین متغیر تأثیرگذار در القاء حس مکان، متغیر فرم و هندسه ادراکی می‌باشد، هماهنگی بصری و وحدت میان بدنه‌ها با عناصری نظیر گنبد، گلدسته و طاق، یادآور مکان‌های مقدس و معنویت است. پس از آن به ترتیب تعلق خاطر و دلبستگی، نفوذ و سهولت دسترسی به آرامگاه، مشارکت اجتماعی و خدمات در رده‌های بعدی قرار دارند. امنیت کمترین تأثیر را در القاء حس مکان دارد. نتایج مبتنی بر آزمون رگرسیون خطی نشان می‌دهد که چهار مؤلفه کالبدی، معناشناختی، اجتماعی و عملکردی همبستگی و رابطه معناداری با متغیر حس مکان دارند. در میان ابعاد حس مکان، ابعاد کالبدی (فرمی) و معناشناختی (ادراکی) بیشترین میزان را در القاء حس مکان دارند و بعد اجتماعی نسبت به سایر ابعاد تأثیر کمتری در ارتقای حس مکان دارد.

بحث و نتیجه گیری

با گسترش مذهب شیعه در قرن‌های اولیه اسلامی، شهرها و روستاهای ایران تبدیل به مراکزی برای زندگی امامزادگان و پس از فوت یا شهادت آن‌ها، مقبره‌هایشان به محلی برای زیارت مشتاقان تبدیل شد. از جمله این زیارتگاه‌ها، زیارتگاه علی ابن مهزیار است که از دوستداران مهدویت به شمار می‌آید و به عنوان نماد شهری شهر اهواز دارای حس مکانی خاص است که مورد توجه قرار گرفته است.

هدف از این پژوهش، شناسایی مهم‌ترین مؤلفه‌های حس مکان در زیارتگاه علی بن مهزیار اهوازی و یافتن نقاط ضعف و قوت عوامل چهارگانه کالبدی (فرمی)، معناشناختی (ادراکی)، اجتماعی و عملکردی از نگاه زائران بوده است. نتایج آزمون پیرسون نشان داد که متغیر آرامش و معنویت بالاترین مقدار همبستگی را در میزان حس مکان دارد. یعنی عوامل معناشناختی (ادراکی) از قبیل فضایی دنج و آرام در کنار معنوی بودن بنا، امنیت روحی و روانی را در اشخاص ایجاد می‌کند.

(ادراکی) همچون تزیینات مزین به آیات قرآنی و استفاده از نقوش اسلیمی-ایرانی و کاشی‌کاری می‌توان فضایی با بار تجربی معنوی و آرامش برای افراد حاضر در محیط ایجاد نمود و در نهایت غنی‌سازی حس مکان و ایجاد هویت در محیط و فضای آرامگاه‌های مذهبی را ارتقا بخشید. درواقع با فراهم کردن زمینه‌های بیش‌تر دو مؤلفه کالبدی (فرمی) و معناشناختی (ادراکی) و در عین حال نگاه موشکافانه برای کشف ابعاد پنهان مؤثر در ایجاد حس معنوی در آرامگاه‌های مذهبی، به تعمیق حس مکان میان زائران در بناهای مذهبی ازجمله آرامگاه علی بن مهزیار در شهر اهواز می‌توان دست یافت.

بررسی مؤلفه‌های حس مکان در زیارتگاه علی بن مهزیار نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته حس مکان بیش از ۶۸ درصد واریانس حس مکان را تبیین می‌کند. به عبارت دیگر، علاوه بر ۴ مؤلفه کالبدی (فرمی)، معناشناختی (ادراکی)، اجتماعی و خدمات، مؤلفه‌های دیگری بر ایجاد حس مکان در بناهای آرامگاهی و مذهبی دخیل هستند. بنابراین می‌توان ضمن دخیل دانستن چهار مؤلفه مذکور، مؤلفه‌هایی دیگری نیز در ایجاد حس مکان در آرامگاه‌های مذهبی دخیل هستند. بنابراین با استفاده از طرح کالبدی از طریق نشانه‌ها و نمادها، مانند بافت و مصالح و رنگ و نورپردازی و عوامل معناشناختی

References

- Afrasiyabi, M., Bazi, Kh., Mirzapour, S. (2014). Spatial and locative Consequences of a place sense of belonging in to place in Khorramabad districts. *Journal of Sustainable Architecture and Urban Design (JSAUD)*, 2(2), 1-13. (In Persian)
- Ahmadian Keisomi, A., Gandomi Kal, N., Ayati, H., Molaei, K., & Bozorgi, M.R. (2017). A Comparative Study of Arab-Islamic Mosques with Iranian-Islamic Mosques (Case Study: Khartoum High Mosque and Atiqh Mosque of Shiraz), *Journal of Studies On Iranian - Islamic City*, 8(29), 51-64. (In Persian)
- Alam, S., Vaziri, V., Rezaei Sharif, A. (2012), *Examining the place of attachment to religious places*. 2th National conference on Islamic architecture and urban planning, Tabriz. (In Persian)
- Arefi, M. (2017), *Explore the concept of Place Making, needs, opportunities and assets*. Translate by Elaheh Pajotan, Tehran: Office of Cultural.
- Asghari, A., Razavi, M.H., & Azimi, A. (2019). Measuring Coastal Tourist Satisfaction Level Using Recreation-Sport Service Quality Parameters in the Caspian Sea Shoreline, *Journal of Sport Management and Motor Behavior*, 15(29), 173-194. (In Persian). DOI:[10.1177/1356766707084218](https://doi.org/10.1177/1356766707084218)
- Ayashm, M., & Mirgholami, M., (2016). A conceptual model to evaluate the sense of place using four factors of perceptual, physical, social and functional (the Case study of Imam Street in Urmia, Iran), *Motaleate Shahri*, 5(19), 69-80. (In Persian)
- Badiee, M., Panahande Khah, M., & Mokhtari, R. (2008). Role of Sense of Place in Native Identity Case study: Yasuji Students in Tehran Universities. *International Quarterly Of Geopolitics*, 4(2), 157-175. (In Persian)
- Canter, D. (1977). *The psychology of place*. Architectural Press.
- Cross, J. E. (2001, November). *Private property rights versus scenic views: A battle over place attachments*. In 12th Headwaters Conference, Western State College.
- Daneshpayeh, N., Habib, F., & Toghyani, Sh. (2017). Explanation the Process of Sense of Place Formation, in New Urban Development (Case Study: Region No.4 of Tehran Municipality). *National Studies*, 18(4), 137. (In Persian). DOR. [20.1001.1.1735059.1396.18.72.8.8](https://doi.org/10.1001.1.1735059.1396.18.72.8.8)
- Daneshpour, S.A., & Saffar Sabzevar, F. (2018). An analysis of the physical factors influencing the place attachment in the old center of Sabzevar, *Research and Urban Planning*, 9(33), 125-136. (In Persian). DOR. [20.1001.1.22285229.1397.9.33.9.8](https://doi.org/10.1001.1.22285229.1397.9.33.9.8)
- Falahat, M.S. (2005). The Role of physical design in mosque's sense of space. *Honar-ha-YE-Ziba*, 2(22), 35-42. (In Persian)
- Falahat, M.S. (2006). The Sense of space and its factors. *Honar-ha-YE-Ziba*, 1(26), 57-66.
- Habibi, D., Habibi, D., Kasalayi, A., Gurjipour, F. & Tavakoli, M. (2017). Explaining the sense of belonging to a place and identity in urban spaces with an emphasis on traditional markets. *Journal of Architecture*, 1(3), 1-8. (In Persian)
- Habibi, R.S. (2008). Images and the meaning of place. *Honar-ha-YE-Ziba*, 35, 39-50. (In Persian)

- Hayaty, H., Mortazavi Kia, B. (2021). Explanation of the components of the sense of place in the historical mosques of Dezful, *Maremat & memari-e Iran*, 11(26), 79-94. (In Persian).DOI. [10.52547/mmi.1759.13990708](https://doi.org/10.52547/mmi.1759.13990708)
- Hummon, D. M. (1992). Community attachment: Local sentiment and sense of place. In *Place attachment* (pp. 253-278). Boston, MA: Springer US.
- Jahangiri, S., & Qanbari, M. (2015), how to create a sense of belonging to a place and vitality in the design of bridges as an urban symbol with an emphasis on connection with nature, 6th *International Conference on Sustainable Development and Urban Development*, Isfahan. (In Persian)
- Javan Forouzande, A., & Motalebi, G. (2011). The Concept of Place Attachment and its Elements. *HoviaTeshahr*, 15(8), 27-37.
- Kalali, P., & Modiri, A. (2012). Explanation of the role of meaning component in the process of creating the sense of place. *The Journal of Fine Arts: Architecture and Urban Planning*, 17(2), 43-52. (In Persian)
- Kashi, H., & Bonyadi, N. (2012). Stating the Model of Identity of Place-Sense of Place and Surveying its Constituents* Case Study: Pedestrian Passage of Shahre Rey. *The Journal of Fine Arts: Architecture and Urban Planning*, 18(3), 43-52. (In Persian)
- lak A, gholampour A. (2015). Understanding the Meaning of “Sense of Place” in Post-Earthquake Reconstructions in Bam Residential Settlements Case Study: Narges Residential Complex. *Journal of Housing and Rural Environment (JHRE)*, 34(149), 37-50. (In Persian)
- lang, J.T. (2015). *The creation of architectural theory, the role of behavioral sciences in environment design*. Translated by Alireza Einifar, Tehran: University of Tehran Press. (In Persian)
- Lynch, K. (1997), *A theory of city form*. Translated by Hossein Bahrain, Tehran: University of Tehran Press.
- Madiri, A. (2007). Place. *Hovit Shahr*, 2(2), 69-79. (In Persian)
- Maleki,M.R., Parsa, S., Vasiq, B., Moradi, E. (2015). Investigating the Sense of Dependency to the Place of Living Based On Gender Differences (Case Study: Ilam City). *Journal of Housing and Rural Environment (JHRE)*, 33(148), 99-108. (In Persian)
- Massey, D. (1994). Space, place, and gender University of Minnesota Press. *Minneapolis MN*.
- Mazloumi, S.M. (2010). Influence Perceptions of mental aspects of sense of place in urban residential neighborhoods. *Journal of Research and Urban Planning*, 1(3), 131-150. (In Persian)
- MohammadMoradi, A., Yazdanfar, S.A., Faizi, M., & Norouzian, S. (2019). Measuring sense of place and identifying the effective components in the historical fabric of Tehran (Case study: The historical neighborhood of Imamzadeh Yahya). *Journal of Iranian Architecture Studies*, 8(15), 173-191. (In Persian). DOI. [10.22052/1.15.173](https://doi.org/10.22052/1.15.173)
- Mokhlesi, M. A. (2015). An explanation of the Jajarm Jame Mosque article. *Athar*, 11(18-19), 165-167. (In Persian)
- Moradi Raziabadi, R., & Javan Faruzandeh, A. (2016). Examining the concept of place and attachment to it in performance spaces. *The second international conference on civil engineering, architecture, urban planning and sustainable environment*, Istanbul. (In Persian)
- Nejad Ebrahimi, A., & Tooranpoor, M. (2019). Sense of place in mosques based on a comparative study of the shape and place making of Fakhr-Ö-Madin in historical mosques, *Iranian Archaeological Research Journal*, 9(20), 165-182. (In Persian)
- Pratvi, p. (2003). Place and placelessness of a phenomenological approach. *Journal of Fine Arts: Architecture and Urban Planning*, 14, 40-50. (In Persian)
- Qomi, Sh.A. (2005). *Kliat Muntahay al-amal (fi tawarikh e al-nabi wa al-al)*. Tehran: Javidan Publication. (In Persian)
- Relph, E. C. (1976). *THE PHENOMENON OF PLACE*.
- Sadeghi, A.R., & Ahmadi, A. (2017). Recognition of Place Components in Urban Environment Design (Case study: Naghshe-Jahan Square, Ganj-Alikhan Square, Piazza Del Campo and Grand Place), *Journal of Environmental Sciences and Technology*, 19(2), 559-570. (In Persian)

- Sadeghi, A.R., Mehdi Khakzand, M., & Bagherzadeh, O. (2018). Effective Factors of Place Making in the Islamic Iranian City, Case Study: Nasir al-Mulk Mosque and Shiraz Atigh Jame' Mosque, *Journal of Islamic Architecture Research*, 6(3), 49-68. (In Persian)
- SattariFard, Sh. (2014). Examining the role of religious centers in increasing the vitality of contemporary cities; Case study: Imamzadeh Saleh area of Tajrish, Tehran. *Urban Management Journal*, 14(40), 141-158. (In Persian)
- Schulz, Christian Norberg (1997), *The Phenomenon of Place*, Princeton Architectural Press, New York.
- Shahroudi Kolour, M., Taghipour, M., & Faezeh Gerist, F. (2020). The Comparative Evaluation of Sense of Place Components in Structural Elements of Shiraz Traditional and Contemporary Mosques The Case Study of Haji Ali Mosque, Moshir-ol-Molk Mosque, Al-Raja Mosque and Daneshgah Mosque. *Architectural Thought*, 4(8), 40-54. (In Persian). DOI. [10.30479/at.2020.10457.1165](https://doi.org/10.30479/at.2020.10457.1165)
- Shamai, S. (1991). Sense of place: An empirical measurement. *Geoforum*, 22(3), 347-358.
- Steele, F. (1981). *The Sense of Place*; CBI Pub. Co.: Boston, MA, USA.
- Taban, M., Pourjafar, M. R. & Pourmand, H. A. (2012). Identity and place of a phenomenological approach. *Hoviat Shahr*, 6(10), 79-90. (In Persian)
- Vasigh, B. (2020). Expression of Applying the Spiritual Sense of Place Instead of the Concept of Sense of Place(Case Study: Shrine of Imam Riḍā (as)). *Farhang Razavi*, 8(2), 223-245. (In Persian). <https://doi.org/10.22034/farzv.2020.113317>
- Vasigh, B., & Yarikia, A. (2019). Explaining the factors affecting the creation of a sense of place in the ImamZades (Imamzadeh Seyed Hassan and Imamzadeh Saleh). *Journal of Researches in Islamic Architecture (JRIA)*, 7(2), 37-49. (In Persian)
- Zarrabian, F., & Monaam M.R. (2010). Investigating the amount and factors affecting the sense of place. *Shahrdariha*, 9(80), 49-68. (In Persian)